

Analytical Research on Gambron Pottery

Majid MontazerZohouri^{1*}, Hossein Sedighian², Seyedeh Sara Mohamadi³

1. Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Archeology Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Lorestan University, Khoramabad, Iran

3. PhD. in Archaeology, Expert of the Research Institute of Historical and Cultural Buildings and Textures, Institute of Cultural Heritage and Tourism (RICHT), Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2023/04/19;

Accepted: 2023/05/29;

Published Online 2023/07/15

 10.22034/44.1.128

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Majid MontazerZohouri

Assistant Professor,
Department of Archaeology,
Faculty of Literature and
Humanities, University of
Tehran, Tehran, Iran

Email:

majidzohouri@ut.ac.ir

ABSTRACT

During the Safavid period, along with other artistic developments such as metalwork, the production of various types of pottery also flourished. In this era, a variety of pottery was produced, which not only provided an important part of domestic needs, but sometimes was also exported to other countries. In the meantime, the so-called Gambron pottery was considered one of the examples of late pottery of this period. Today, many examples of this type of pottery adorn various museums inside and outside the country, which have been briefly mentioned in some books and articles. But practically, this type of pottery can be considered one of the lesser-known types of pottery of the Islamic era; Because so far, not only the evidence of its production has not been obtained in archaeological excavations, but also less ancient sites in Iran have been identified in which samples of these pottery vessels have been found. According to these cases, it was necessary to deal with this type of pottery in another independent research and provide more documentation about it. The results of this research showed that Gambron pottery has been known in Iran since the end of the 11th century of Hijri, and despite its export importance, it has been used to some extent among the people of Iran. Probably, this pottery was produced in centers such as Qom, Nain, Isfahan and Kerman, and its shape and decorations were similar to Safavid examples and some Chinese pottery.

Keywords: Gambron Pottery, Safavid Period, Stylistics, Technique, Decorations

Copyright © 2023. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

MontazerZohouri M, Sedighian H, Mohamadi S S. Analytical Research on Gambron Pottery. *Athar*. 44 (1), 128-143.

مقاله پژوهشی

پژوهشی تحلیلی بر سفالینه‌های موسوم به گمبرون

مجید منتظر ظهوری^{۱*}، حسین صدیقیان^۲، سیده سارا محمدی^۳

۱. استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران
۳. دکتری باستان‌شناسی، کارشناس پژوهشکده بناها و بافت‌های تاریخی فرهنگی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

خلاصه

اطلاعات مقاله

در طول دوره صفویه، در کنار سایر پیشرفت‌های هنری مانند فلزکاری، تولید انواع سفال نیز رونق فراوانی داشت. در این عصر سفالینه‌های متنوعی تولید می‌شد که نه تنها بخش مهمی از نیازهای داخلی را تأمین می‌کرد، بلکه گاهی به کشورهای دیگر نیز صادر می‌شد. در این میان سفال موسوم به گمبرون یکی از نمونه‌های شاخص سفالگری اواخر این دوره محسوب می‌شد. امروزه نمونه‌های متعددی از این گونه سفالین زینت‌بخش موزه‌های مختلف داخل و خارج از کشور بوده که در برخی کتب و مقالات اشارات مختصری به آن شده است، اما عملاً می‌توان این گونه سفالین را یکی از گونه‌های کمتر شناخته شده سفالی دوران اسلامی به حساب آورد؛ چراکه تاکنون نه تنها شواهد تولید آن در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست نیامده، بلکه کمتر محوطه باستانی در ایران نیز شناسایی شده که در کاوش‌های آن نمونه‌هایی از این ظروف سفالی به دست آمده باشد. با توجه به این موارد ضرورت داشت که در یک پژوهش مستقل دیگر به این گونه سفالین پرداخته شود و مستندات بیشتری درمورد آن ارائه گردد. نتایج این پژوهش نشان داد که سفال گمبرون از اواخر قرن یازدهم هجری به بعد در ایران شناخته شده و با وجود اهمیت صادراتی، در بین مردم ایران هم تا حدودی کاربرد داشته است. احتمالاً این سفال در مراکزی چون قم، نائین، اصفهان و کرمان تولید می‌شده و فرم و تزئینات آن نیز تا حد زیادی مشابه نمونه‌های صفوی و برخی سفالینه‌های چینی بوده است.

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

نویسنده مسئول:

مجید منتظر ظهوری

استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پست الکترونیک:

majidzohouri@ut.ac.ir

کلیدواژه‌ها: سفال گمبرون، دوره صفوی، سبک‌شناسی، تکنیک، تزئینات

حق کپی‌رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

منتظر ظهوری مجید، صدیقیان حسین، محمدی سیده سارا. پژوهشی تحلیلی بر سفالینه‌های موسوم به گمبرون. فصلنامه علمی اثر. ۴۴ (۱)، ۱۲۸-۱۴۳.

۱- مقدمه

با توجه به این موارد ضرورت داشت در پژوهش مستقل دیگری به بحث در مورد سفال گمبرون پرداخته شود. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بازنمایی بهتر و جامع‌تری به این سفال کمتر شناخته شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تطبیقی و مقایسه‌ای بوده و شیوه گردآوری اطلاعات در آن شامل بررسی آثار موجود در موزه‌های مختلف، بررسی گزارش‌های باستان‌شناسی منتشرنشده و پژوهش‌های کتابخانه‌ای است. در پژوهش حاضر ابتدا توصیف مختصری در زمینه سفال گمبرون و شواهد باستان‌شناسی مرتبط با آن ارائه شده، سپس به طبقه‌بندی و مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای آن با آثاری همچون سفال‌های زرین‌فام و سلاذن این دوره پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

گمبرون یکی از گونه‌های سفالین در ظاهر شناخته‌شده دوران اسلامی در سرزمین ایران محسوب می‌شود که عملاً در بسیاری از کتب مرتبط با سفالگری این دوران ایران به آن اشاره شده است؛ چراکه نمونه‌های متعددی از ظروف کامل این گونه سفالین امروزه در موزه‌های مختلف داخل و خارج از کشور قرار گرفته است. بر همین اساس از جمله قدیمی‌ترین پژوهش‌های مرتبط با این سفال اشارات مختصر هابسون است. وی اشاره دارد که تولید سفال گمبرون در ایران به تقلید از سفال‌های تک‌رنگ چینی ناحیه چی ان لونگ^۲ انجام شده است (Hobson, 1932). وی همچنین اعتقاد دارد که سفالینه‌های متأخرتر تولیدی نائین از لحاظ نوع نقوش و حتی نوع خمیره ارتباط نزدیکی با نمونه‌های گمبرون دارند. پس از هابسون، پژوهشگران دیگری همچون لین و پوپ نیز به بررسی این سفال پرداخته و ضمن بیان ویژگی‌های ظاهری آن، اشاره به دو مرکز احتمالی نائین و شیراز در زمینه تولید این سفال کرده‌اند (Lane, 1957; Pope, 1969 & Ackerman). تقریباً مشابه توضیحات این افراد با بیان بیشتر ویژگی‌های ظاهری این سفال‌ها، در پژوهش‌های متأخرتر دیگر نیز دیده می‌شود (Fehervari, 1973, 2000; Hosseini, 2010; Kambakhshfard, 2001; Mohammadifar &

سرزمین ایران همواره در طول قرون مختلف اسلامی یکی از مناطق مهم و شناخته‌شده در زمینه تولید سفال بوده است. در این میان یکی از ادوار مهم در زمینه تولید سفال در طول دوره صفویه اتفاق افتاد. در این دوره، انواع متنوعی از سفالینه‌های لعاب‌دار با نقوش مختلف تولید شده که حتی بعضی با نمونه‌های شاخص چینی نیز برابری می‌کرد و بعضاً به‌عنوان کالای تولیدی چین به اروپا صادر می‌شد (Chardin, 1993; Demand, 2004). با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در برخی سفالینه‌های این دوره و نیز اطلاعات کسب‌شده از متون تاریخی، شهرهایی همچون مشهد، شیراز، زرنند کرمان و شهرهای اصفهان از جمله مراکز معتبر تولید سفال در این دوره بوده‌اند (Freyeh, 1995; Golombek & et al, 2001; Kenby, 2003; Mason & Golombek, 2006)، اما به دو دلیل اصلی هنوز اطلاعات دقیق و کامل باستان‌شناسی در زمینه مراکز تولیدی برخی از این سفال‌ها به دست نیامده است: اول اینکه عمده سفال‌های این دوره فاقد کتیبه مرتبط با نام سفالگر و محل تولیدی سفال هستند و دوم اینکه شواهد متقنی از تولید سفال‌ها در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست نیامده است. با توجه به موارد پیش‌گفته، یکی از سفال‌های شاخص این دوره که هنوز اطلاعات باستان‌شناسی جامعی در مورد مرکز یا مراکز تولیدی آن وجود ندارد، سفال گمبرون است. این سفال با وجود آنکه از اواخر قرن ۱۱ ه. ق به بعد وارد کشورهای اروپایی شده^۱ و بعدها نمونه‌های متعددی از آن زینت‌بخش موزه‌ها شده، فاقد اطلاعات باستان‌شناسی دقیق و مدون است. همین امر باعث شده بیشتر اشارات پژوهش‌گران داخلی یا خارجی معطوف شکل ظاهری و تزئینات آن شده و احتمالاتی در مورد مراکز تولیدی آن داده شود. آنچه از بررسی پیشینه مطالعاتی سفال‌های گمبرون حاصل می‌شود آن است که هنوز در مورد مرکز یا مراکز احتمالی تولیدی قطعیت لازم وجود ندارد. علاوه بر این هیچ مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای بین این سفال‌ها و نمونه‌های دیگر تولیدی این دوره صورت نگرفته است تا بر پایه آن بتوان دانش بیشتری نسبت به این گونه سفالین کسب کرد.

در همین ارتباط باید به این نکته نیز اشاره شود که از سال ۱۰۶۷ ه. ق / ۱۶۵۷ م به بعد برای مدت‌زمان چند دهه روند تولید سفالینه‌های تکرنگ چینی متوقف شد و عملاً صادرات آن بسیار محدود گردید. با توجه به این شرایط سفالگران ایرانی نهایت استفاده را برده و شروع به ساخت سفالینه‌های لعاب‌دار تکرنگ کردند که بعضاً نقوش اندکی نیز داشت (Rouhani & et al, 2021). سفالینه‌هایی که حتی تا حدودی مشابه نمونه‌های تکرنگ تولیدی چین بوده است (Hobson, 1932)؛ بر همین اساس شاید یکی از دلایل ساخت ظروف گمبرون نیز همین امر باشد که سفالگران ایرانی با تولید و صادرات آن به کشورهای اروپایی بتوانند تا حدی تولیدات خود را جایگزین نمونه‌های تولید چین کنند. با توجه به این موضوعات و با استناد به وقایع تاریخی کشور چین در زمینه توقف تولید سفال تکرنگ و نیز گفته‌های افرادی همچون لیستر، چنین به نظر می‌رسد که حداقل تاریخ اواخر قرن ۱۱ ه. ق برای آغاز تولید این سفال قابل پذیرش باشد. تاریخی که توسط بسیاری از پژوهشگران نیز برای این سفال در نظر گرفته شده است (Fehervari, 1973; Kambakhshfard, 2001). سفال گمبرون در حال حاضر عمدتاً از طرق مختلفی همچون تجارت دریانوردی در گذشته یا طرق غیرعلمی دیگر وارد موزه‌های مختلف شده است. بر همین اساس برخی پژوهشگران اعتقاد دارند با توجه به کیفیت بالای این ظروف احتمال دارد که صرفاً برای صادرات به دیگر کشورها تولید شده باشند (Hosseini, 2010). این موضوع بدین سبب مطرح شده که شواهد این سفال به‌ندرت در کاوش یا بررسی‌های باستان‌شناسی ایران به دست آمده بود؛ به‌عنوان نمونه در بررسی‌های باستان‌شناسی کرانه‌های شمالی خلیج فارس که توسط ویلیامسون صورت گرفت و بعدها نتایج آن توسط دیگر پژوهشگران منتشر شد، اشاره‌ای به سفال گمبرون نشده است (Priestman, 2005). همین وضعیت را در نتایج سایر پژوهش‌های باستان‌شناسی نیمه جنوبی کشور مانند سیرجان، قشم، میناب و... هم می‌توان ملاحظه کرد (Amir Hajlo & Siddigian, 2019; Mohammadi Qasrian & Zarei, 2016-17).

(Belmaki, 2008; Soustiel, 1985; Watson, 2004). با توجه به اشارات این افراد، تاکنون شهرهای نائین، شیراز و یزد به‌عنوان مرکز یا مراکز احتمالی تولید این سفال معرفی شده است. جدیدترین پژوهش صورت‌گرفته درمورد سفال گمبرون که تنها پژوهش مستقل در این زمینه است نیز صرفاً به مرور نتایج پژوهش‌های گذشته، بررسی ویژگی‌های تزئینی سفال و معرفی نائین به‌عنوان یکی از مراکز تولیدی سفال پرداخته است (Shrahi, 2011).

۳- توصیف و بررسی

۳-۱- سفال گمبرون

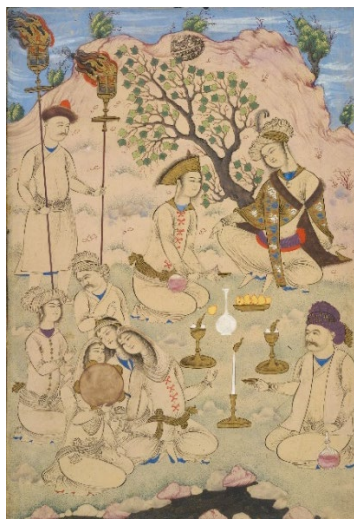
گمبرون یا گامبرون در اصل نام قدیم بندرعباس امروزی است که در طول دوره صفویه نیز با این نام شناخته می‌شد (Eghtari, 1969)، اما نام سفالی به نام گمبرون ظاهراً برای نخستین بار در سال ۱۱۰۹ ه. ق / ۱۶۹۸ م توسط طبیعت‌شناس و فیزیک‌دان انگلیسی مارتین لیستر^۳، به کار برده شده است (Lane, 1957). این موضوع که آیا منظور لیستر همین گونه شناخته‌شده گمبرون بوده یا صرفاً اشاره به سفال‌های بندرعباس کرده، موضوعی است که برخی از پژوهشگران اندکی در آن تردید کرده‌اند؛ چراکه اعتقاد دارند این سفال احتمالاً تقلیدی از یک گروه سفال چینی بوده که بعد از سال ۱۱۴۲ ه. ق / ۱۷۳۰ م تولید شده است. بر این اساس اعتقاد دارند سفال گمبرون نیز بعد از این تاریخ می‌توانسته تولید شده باشد (Hobson, 1932). این تاریخ درحالی ذکر شده که با استناد به گفته‌های برخی از پژوهشگران غربی در دهه ۱۱۶۳ ه. ق / ۱۷۵۰ م نیز سفال‌های لعاب‌دار سفید زیادی از بندر گمبرون و توسط شرکت هند شرقی به اروپا صادر شده بود (Hosseini, 2010; Watson, 2004). همین موضوع هم باعث شده این سفال‌های سفید درخشان به گمبرون معروف شوند. نکته دیگری که باید در ارتباط با سرآغاز احتمالی تولید سفالینه‌های گمبرون به آن اشاره کرد، وضعیت تولید و صادرات سفالینه‌های کشور چین در این بازه زمانی است؛ چراکه این امر نیز می‌توانسته تأثیر مستقیمی بر شروع تولید سفال گمبرون در ایران داشته باشد.

می‌شود؛ همین امر باعث شده در کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی ایران، به‌ویژه در نیمه جنوبی کشور، این گونه سفالین به‌درستی شناخته نشود. یکی از دلایل این امر را می‌توان علاوه بر تشابه آن با نمونه‌های دیگر، عدم شناخت کافی بسیاری از باستان‌شناسان نسبت به این گونه سفالین دانست. در همین ارتباط لازم به ذکر است که سفال‌های گمبرون عمدتاً یا سفید تکرنگ بوده یا به میزان اندک بخش‌هایی از مرکز بدنه یا دور لبه‌ها با رنگ دیگر تزئین شده‌اند. در نتیجه قطعات شکسته این سفال عمدتاً به‌صورت سفید تکرنگ هستند که در برخی ادوار اسلامی نیز چنین سفالینه‌هایی در ایران تولید شده یا مورد استفاده قرار گرفته است؛ مانند سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ خمیره سفید شبه‌چینی قرن ۶-۷ ه.ق. (Grube, 2004; Watson, 2005). نظر به اینکه سفال‌های قرن ۶-۷ ه.ق هم از لحاظ نوع خمیره و لعاب و هم از لحاظ نوع تزئین مشبک تا حد زیادی مشابه نمونه‌های گمبرون هستند، چندان دور از ذهن نیست که بعضاً قطعات سفال‌های گمبرون که شفافیت و درخشانی لازم و شاخص خود را نداشته باشند، در بررسی‌ها یا کاوش‌های باستان‌شناسی با نمونه‌های قرون میانی اسلامی اشتباه گرفته شوند. این موضوع یکی از معضلات مهم و اساسی در ارتباط با این گونه سفالین است که در کنار عدم شناسایی شواهد تولید آن، باعث شده که شناخت ما نسبت به این گونه سفالین بسیار اندک باشد.

این در حالی است که حداقل یک نمونه از این ظروف در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه ذلف‌آباد فراهان در مرکز کشور و یک نمونه دیگر نیز در کاوش‌های باستان‌شناسی حرم امام رضا (ع) در شرق ایران به دست آمده است. علاوه بر این، در بررسی‌های باستان‌شناسی محوطه انداجین همدان نیز اشاره به شناسایی تعدادی سفال گمبرون شده است (Rezaei & Mohammadi, 2019)، اما در هیچ‌جا مقاله تصاویری از این سفال‌ها ارائه نشده و به هیچ‌روی مشخص نیست که آیا واقعاً چنین سفال‌هایی در محوطه شناسایی شده یا صرفاً به دلیل سفیدبودن لعاب آنها به گونه گمبرون نسبت داده شده است. علاوه بر این حداقل در تعداد اندکی از مینیاتورهای باقی‌مانده این دوره هم ظروفی در شکل دیده می‌شود که کاملاً سفیدرنگ بوده و هیچ شواهد یا ردی از رنگ یا تزئین دیگر مانند آبی در آنها دیده نمی‌شود (شکل ۱). در نتیجه می‌توان چنین فرض کرد که این ظروف تکرنگ سفید در اصل گمبرون بوده باشند که بعضاً در مجالس ایرانی نیز استفاده شده‌اند؛ هر چند در ارتباط با این فرضیه فعلاً مدرک معتبری در دست نیست و در عین حال که تاریخ نگاره‌پردازی این آثار نیز بعضاً قدیمی‌تر از تاریخ احتمالی ساخت سفالینه‌های گمبرون است؛ بر همین اساس فعلاً در حد یک فرضیه می‌توان به این موضوع نیز اشاره کرد. این سفال به دلیل رنگ سفیدی که دارد بعضاً با نمونه‌های ادوار دیگر اسلامی و نیز نمونه‌های وارداتی از چین اشتباه گرفته



شکل ۱. نمونه‌ای از سفال گمبرون به‌دست آمده از کاوش محوطه ذلف‌آباد اراک در سمت راست (Shrahi, 2011) و نمونه‌ای از سفال گمبرون به‌دست آمده از کاوش حرم امام رضا (ع) در سمت چپ



شکل ۲. سفال لعاب‌دار تک‌رنگ سفید در مینیاتوری از دوره صفوی اثر محمد قاسم به سال ۱۰۴۵ ه.ق در اصفهان، محل نگهداری: بریتیش موزیوم (<https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword=iran>)

موضوع دیگری که تاکنون هیچ پاسخ منطقی و مناسبی به آن داده نشده، مرکز یا مراکز تولیدی این سفال است؛ زیرا تاکنون هیچ محوطه باستانی در ایران شناسایی نشده که شواهد تولید این سفال در آن شناسایی شده باشد. متأسفانه تاکنون مطالعات آزمایشگاهی در زمینه منشأیابی این سفال نیز صورت نگرفته تا بتوان براساس آن احتمالات منطقی‌تری ارائه کرد. یکی از مراکزی که تاکنون در پژوهش‌های متعدد به آن اشاره شده که می‌تواند به‌عنوان مرکز تولید سفال گمبرون مطرح شود، شهر نائین است؛ چراکه در این شهر و حداقل از دوره قاجاریه به بعد سفال‌هایی تولید شده که تا حدودی شبیه به نمونه‌های گمبرون هستند (Hobson, 1932; Shadlo & Chitsazian, 2010) (شکل ۳). همچنین در این شهر ظاهراً تا چند دهه اخیر منابع خاک سفید کائولین نیز وجود داشت که برای تولید سفال‌های خمیره شبه‌چینی استفاده می‌شد (Wolff, 1993). با توجه به این دو مورد است که شهر نائین در زمینه تولید سفال گمبرون مطرح شده است؛ هر چند هنوز هیچ شواهد قطعی در این زمینه وجود ندارد و این امر تنها یک احتمال است. علاوه بر نائین دو شهر یزد و کرمان نیز به‌عنوان مراکز احتمالی دیگر این سفال معرفی شده‌اند که در دوره صفوی به‌عنوان مراکز شاخص سفالگری مطرح بوده و در عین حال که به سواحل بندر گمبرون نیز نزدیک بوده‌اند

شهر شیراز نیز مرکز دیگری بوده که توسط پژوهشگران معرفی شده که استناد آنها به گفته‌های برخی منابع تاریخی دوره صفویه است (Fehervari, 2000; Pope & Ackerman, 1969). در همین ارتباط شاردن سیاح دوره صفوی به این نکته اشاره می‌کند که شهرهای شیراز، مشهد، زرنند و یزد در تولید سفال و بدل چینی^۴ معروف بوده‌اند (Chardin, 1993). در نتیجه گفته‌های شاردن چنین مشخص می‌شود که در شهرهای مشهد، شیراز، زرنند و یزد تولید سفال رایج بوده که بعضاً سفالینه‌های خمیره شبه‌چینی نیز تولید کرده‌اند. البته شاردن و نیز اولتاریوس به یک مرکز دیگر تولید سفال در این دوره نیز اشاره کرده‌اند. ایشان اشاره به این نکته دارند که در شهر قم سفال‌های سفید و لعاب‌داری تولید شده که به مناطق دیگر صادر می‌شدند (Chardin, 1993; Olearius, 1984). این اشاره مختصر ولی واضح نشان می‌دهد که شهر قم در دوره صفویه یکی از مراکز مهم تولید سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ بوده که احتمالاً همان سفال گمبرون بوده باشد. بر همین اساس چندان دور از ذهن نیست که حداقل یکی از مراکز اصلی سفال گمبرون در اصل شهر قم بوده باشد؛ به نحوی که بعضاً نمونه‌های تولیدی آن در مراکز استقراری نزدیک به آن همچون ذلف‌آباد نیز شناخته شده باشد.

می‌توان به انواع پیاله، کاسه، بشقاب و کاسه پایه‌دار اشاره کرد. در فرم‌های دهانه‌بسته نیز می‌توان به فرم‌های بطری، گلدان، گلاب‌پاش و آبریز دسته‌دار اشاره کرد. برخی از فرم‌های شناسایی شده این گونه سفالین منحصراً مربوط به دوره صفوی و پس از آن بوده، اما برخی دیگر از فرم‌ها در قبل از دوره صفوی رایج بوده‌اند؛ به‌عنوان مثال فرم کاسه و بشقاب در بسیاری از ادوار تاریخی رایج بوده، اما فرم فنجان تخم‌مرغی یا اسپیتون منحصراً از این دوره به بعد شناخته شده‌اند. یکی از دلایل این امر ارتباط بیشتر جامعه ایرانی با اروپایی‌ها و تقاضای خرید برخی کالاها با فرم خاص بوده که در سنت سفالگری این دوره نیز اتفاق افتاده است؛ مانند فرم فنجان تخم‌مرغی. نکته دیگری که در ارتباط با فرم سفال‌های گمبرون باید به آن اشاره کرد، این است که این سفال‌ها از لحاظ نوع فرم تا حد زیادی مشابه سایر نمونه‌های تولیدی دوره صفویه بوده و ویژگی شاخص یا متمایزی نسبت به سایر نمونه‌ها ندارند، اما با توجه به بررسی مقایسه‌ای صورت‌گرفته در موزه‌های مختلف، چنین به نظر می‌رسد که سفال‌های گمبرون از لحاظ نوع فرم ارتباط نزدیک‌تری با سفال‌های زرین‌فام و آبی و سفید صفوی دارند تا سفال‌هایی مانند کوباچه و سلادن این دوره در جدول ۱ انواع فرم سفال‌های گمبرون و نمونه‌های مشابه ارائه شده است.



شکل ۳. نمونه‌ای از سفالینه‌های تولیدی نائین در دوره قاجاریه به سبک تقریباً مشابه با نمونه‌های گمبرون با امضای یوسف (مجموعه شخصی تواضعی)

۳-۲- فرم‌های سفال گمبرون

گمبرون یکی از سفال‌های با خمیره شبه‌چینی دوره صفویه است که از ظرافت و استحکام بالایی برخوردار بوده؛ به نحوی که حتی با نمونه‌های چینی قابل قیاس است (Fehervari, 2000). این سفال تماماً با تکنیک چرخ‌ساز ساخته شده و از فرم‌های متنوعی به‌صورت دهانه‌باز و دهانه‌بسته برخوردار است. از جمله فرم‌های دهانه‌باز این سفال که فراوانی بیشتری نیز دارد،

جدول ۱. فرم‌های شاخص سفال گمبرون و نمونه‌های قابل مقایسه با آنها در سفالینه‌های دیگر دوره صفوی

فرم مشابه	سفال گمبرون	فرم مشابه	سفال گمبرون
 <p>بطری زرین‌فام، موزه لوور (https://www.louvre.fr/en)</p>	 <p>بطری، موزه فریبور https://asia.si.edu/collectio/ns-area/islamic</p>	 <p>کاسه زرین‌فام، موزه فریبور https://asia.si.edu/collectio/ns-area/islamic</p>	 <p>کاسه، موزه روبال اونتاریو (https://www.rom.on.ca/en) 5</p>



فرم مشابه	سفال گمبرون	فرم مشابه	سفال گمبرون
 <p>ظرف گلابی شکل آبی و سفید زرین فام، گالری هنر بیرمنگام https://www.birminghammuseums.org.uk/birmingham-museum-and-art-gallery</p>	 <p>ظرف گلابی شکل، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 2599-1876 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>	 <p>کاسه پایهدار لاجوردی زرین فام، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 557-1889 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>	 <p>کاسه پایهدار، موزه متروپولیتن https://www.metmuseum.org/art/the-collection</p>
 <p>اسپیتون زرین فام، بریتیش موزیوم https://www.britishmuseum.org/col/lection/search?keyword=iran</p>	 <p>اسپیتون ۷، موزه فریبر https://asia.si.edu/collectio/ns-area/islamic</p>	 <p>فنجان تخم مرغ زرین فام، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 2573-1876 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>	 <p>فنجان تخم مرغ ۶، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 2610-1876 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>
 <p>گلدان چنددهانه زرین فام، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 929-1876 https://www.vam.ac.uk/collections/?type=featured</p>	 <p>گلدان چنددهانه ۸، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 1397-1876 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>	 <p>بشقاب زرین فام، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش CIRC.338-1911 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>	 <p>بشقاب، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 2578-1876 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>

فرم مشابه	سفال گمبرون	فرم مشابه	سفال گمبرون
 <p>آبریز زرین‌فام، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 1183-1876 https://www.vam.ac.uk/collections/?type=featured</p>	 <p>آبریز، موزه آشمولین، ش.ش EAX.3035 http://jameelcentre.ashmol.org/collection/8</p>	 <p>پیاله زرین‌فام، موزه متروپولیتن https://www.metmuseum.org/art/the-collection</p>	 <p>پیاله، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 571-1889 https://www.vam.ac.uk/col/lections?type=featured</p>

هستند که شامل فرم‌های شاخص، نوع و کیفیت خمیره و کیفیت لعاب است. جهت آگاهی بیشتر در مورد ویژگی‌های فنی سفالینه‌های تک‌رنگ سفید قرون میانی اسلامی نک: (Grube, 2005; Watson, 2004). از طرف دیگر مشابه این سفال‌ها همواره در برخی ادوار تاریخی کشور چین مانند قرون ۱۴ تا ۱۸ میلادی و در مراکزی همچون جینگ‌دزن^۱، فوجن^{۱۰} یا جنوب چین تولید شده است (Priestman, 2005). هر چند که سفال‌های چینی از لحاظ نوع خمیره کاملاً متفاوت با نمونه‌های گمبرون هستند؛ چراکه خمیره نمونه‌های چینی کائولن سفید است، اما نمونه‌های گمبرون خمیره مصنوعی شبه‌چینی نرم دارند. بر همین اساس دقیق نمی‌توان بیان کرد که آیا نمونه‌های تولیدی گمبرون ایران در اصل تقلیدی از نمونه‌های چینی بوده یا تکرار سنت گذشته این سرزمین بوده است.

۳-۳- تزئینات سفال گمبرون

سفالینه‌های گمبرون را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به سه گروه لعاب‌دار تک‌رنگ سفید ساده، لعاب‌دار تک‌رنگ سفید تزئینی و نقاشی زیر لعاب زمینه سفید، تقسیم‌بندی کرد که به شرح زیر است:

سفالینه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ سفید ساده از بیشترین فراوانی به نسبت دو گروه دیگر برخوردار هستند. سفال‌های این گروه تنوع فرم زیادی داشته و تقریباً تمام یا بیشتر فضای داخلی و خارجی آنها با لعاب درخشان یا مات سفید و یک‌دست غلیظ پوشانده شده است (شکل ۴). تقریباً مشابه این سفال‌ها از لحاظ داشتن رنگ سفید لعاب، در بازه زمانی قرن ۶-۷ ه. ق با خمیره شبه‌چینی تولید شده است (Watson, 2004)، اما سفالینه‌های مشابه قرون میانی از سه جنبه متفاوت با نمونه‌های گمبرون



شکل ۴. دو نمونه از سفال لعاب‌دار تک‌رنگ ساده، دوره صفوی، محل کشف: نامشخص، موزه ویکتوریا و آلبرت، ش.ش 2599-1876 و 572-1889
<https://www.vam.ac.uk/collections?type=featured>

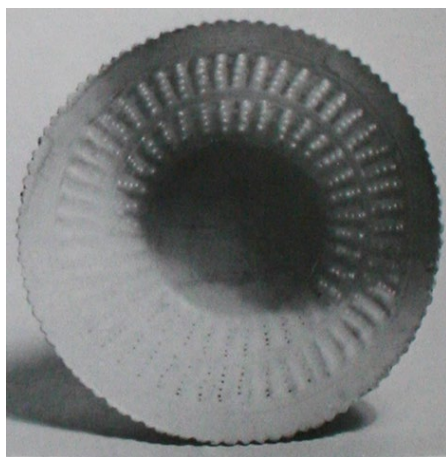


دارند (Lally, 2013). مشابه همین سفال‌ها با لعاب تک‌رنگ سفید نیز در دوره سلجوقی تا حدودی رایج بوده و امروزه نمونه‌هایی از این نوع سفال در موزه‌های مختلف داخلی و خارجی موجود است (Watson, 2004). اما سفال‌هایی با تزئین مشبک را نیز می‌توان حداقل از دوره سلجوقی به بعد در سنت سفالگری ایران مشاهده کرد که در طول این دوره نیز نمونه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ با تزئین مشبک تولید شده است (Soustiel, 1985; Watson, 2004) (شکل ۶).

گروه دوم سفال‌های گمبرون را نمونه‌های تک‌رنگ سفید تشکیل می‌دهد که در زیر لعاب تزئیناتی به صورت کنده، شیاری و مشبک دارند (شکل ۵). تزئینات کنده و شیاری عمدتاً اشکال مختلف هندسی یا گیاهی مشبک را شامل می‌شود که بعضاً از لحاظ نوع نقش‌اندازی قابل مقایسه با سفالینه‌های سلادن چینی هستند. در چین حداقل از قرن ۱۰ میلادی به بعد شاهد تولید انواع ظروف چینی با لعاب تک‌رنگ سفید یا سفید مایل به سبز هستیم که بعضاً تزئیناتی به صورت کنده یا شیاری در زیر لعاب



شکل ۵. سفال گمبرون با تزئین شیاری و مشبک زیر لعاب، محل کشف: نامشخص، سمت راست موزه ویکتوریا و آلبرت با ش.ش 1876-2594 (<https://www.vam.ac.uk/collections?type=featured>) و سمت چپ موزه بروکلین (<https://www.brooklynmuseum.org>)



شکل ۶. دو نمونه از سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ سفید مشبک قرن ۶-۷ ه. ق ایران (Soustiel, 1985; Watson, 2004)

یک یا دو رنگ سیاه و لاجوردی تزئیناتی به میزان اندک روی سفال کشیده شده است (شکل ۷). بیشتر این سفال‌ها در کنار

سفال‌هایی با تزئین نقاشی زیر لعاب نیز گروه دیگری از نمونه‌های گمبرون را تشکیل می‌دهد که در آنها با استفاده از

وسط کف یک برآمدگی دگمه مانند ایجاد شده که بعضاً روی آن نقاشی شده است. مشابه این شیوه تزیینی را صرفاً در برخی سفالینه‌های زرین‌فام ۱۱ این دوره می‌توان ملاحظه کرد، اما در سایر سفالینه‌های این دوره و حتی قبل از صفوی چنین ویژگی تزیینی مشاهده نگردید (شکل ۸).

علاوه بر نقش دگمه‌ای که به آن اشاره شد، تزیینات نقاشی زیر لعاب به‌کاررفته در سفال‌های گمبرون نیز شامل اشکال مختلف هندسی، شمسه، ترنج و نقوش گیاهی است که بعضاً با برخی از نقاشی‌های دوره صفوی و برخی تزیینات به‌کاررفته در سفال‌های زرین‌فام این دوره قابل مقایسه هستند (Pope & Ackerman, 1969; Watson, 2004) (شکل ۹ و جدول ۲). در عین حال که نوع تزیینات مشبک زیر لعاب سفال‌های گمبرون هم تا حد زیادی با نمونه‌های قبل از صفوی مانند نمونه‌های دوره سلجوقی و ایلخانی قابل مقایسه هستند. دورتادور لبه‌های این سفال‌ها نیز بعضاً از تکرار چند نقش دایره‌ای توپر، اما کوچک یا نقش نواری سیاه به‌هم‌پیوسته آراسته شده‌اند (شکل ۱۰). مشابه این شیوه تزیینی به‌ویژه تزیین چند دایره سیاه توپر در کنار هم و روی لبه، در سایر نمونه‌های این دوره و حتی نمونه‌های قبل صفوی شناسایی نشد و احتمال داده می‌شود یک ویژگی متمایز و شاخص در تزیین سفال‌های گمبرون باشد.

تزیین نقاشی زیر لعاب دارای نقش مشبک نیز هستند، اما به‌ندرت نمونه‌هایی از این گروه نیز وجود دارد که صرفاً دارای تزیین نقاشی زیر لعاب باشند. در میان نمونه‌های بررسی‌شده موزه‌های مختلف چنین مشخص شد که برای تزیین نقاشی زیر لعاب تک‌رنگ عمدتاً از رنگ سیاه استفاده شده است؛ درحالی‌که تزیین تک‌رنگ لاجوردی در زمینه سفید به‌ندرت در سفال گمبرون به کار رفته است. رنگ لاجوردی همچنین عمدتاً در کنار رنگ سیاه و در ترکیب با تزیین مشبک استفاده شده است. سفال‌های این گروه صرفاً در نمونه‌هایی با فرم دهانه‌باز شناسایی شده و نمونه‌های دهانه بسته صرفاً به‌صورت تک‌رنگ ساده یا تزیینی هستند. تزیینات نقاشی زیر لعاب به کار رفته در سفال‌های این گروه عموماً در دو قسمت دور لبه و نیز وسط ظرف به کار رفته است، اما در نمونه‌های پایه‌دار در قسمت خارجی سفال و نیمه پایینی بدنه نیز دارای نقش است. تزیینات مشبک نیز عموماً در سرتاسر نیمه بالایی ظرف کشیده شده و صرفاً اشکال مختلف هندسی را در بر می‌گیرد. تقریباً مشابه این شیوه تزیینی ترکیبی از نقاشی زیر لعاب و مشبک را می‌توان در نمونه‌های قبل از دوره صفوی مشاهده کرد؛ مانند برخی سفالینه‌های قرن ۷-۸ ه. ق (Soustiel, 1985). بر این اساس چنین احتمال داده می‌شود که این شیوه تزیینی نیز تا حد زیادی به تقلید و مشابه نمونه‌های قبل از صفوی تولید شده باشد. در برخی از سفالینه‌های گمبرون با فرم کاسه در داخل و



شکل ۷. سفال‌های گمبرون با تزیین نقاشی زیر لعاب تک‌رنگ و دورنگ؛ مکان نگهداری به‌ترتیب از سمت راست به چپ: موزه رویال اونتاریو

(<https://www.rom.on.ca/en>)

موزه لوور (<https://www.louvre.fr/en>) و موزه هنر آسیایی (<https://asianart.org>)



شکل ۸. نقش برجسته دگمه‌ای شکل مرکز سفال گمبرون و مشابه آن در زرین‌فام صفوی، بریتیش موزیوم
(<https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword=iran>)

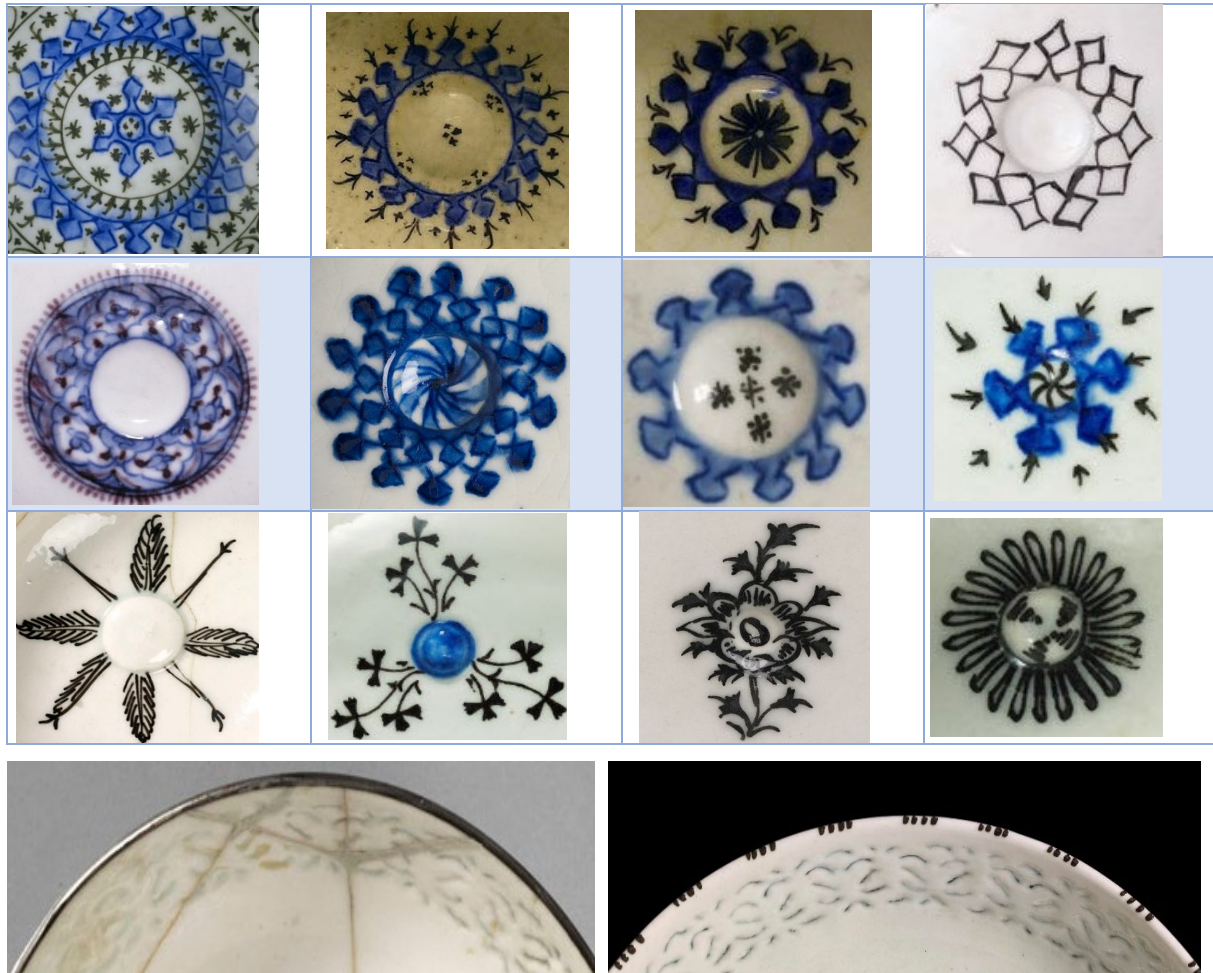


شکل ۹. از سمت راست به چپ: تزیین نقش گل روی سفال گمبرون، موزه هنر هاروارد؛ نقاشی از شیخ عباسی در اصفهان به تاریخ ۱۶۳۳-۱۶۷۴، بریتیش موزیوم
(<https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword=iran>)

و طرحی روی یک سفال زرین‌فام صفوی در موزه آشمولین با شماره EA1978.1719 (<http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/8>)

جدول ۲. نمونه‌هایی از نقوش به‌کاررفته در مرکز سفالینه‌های گمبرون





۱۰. نمونه‌هایی از تزئینات دور لبه در سفال‌های گمبرون؛ مکان نگهداری: راست، بریتش موزیوم
(<https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword=iran>)
و چپ موزه رویال اونتاریو (<https://www.rom.on.ca/en>)

۴- نتیجه‌گیری

چند دهه تولید سفال‌های صادراتی تک‌رنگ دچار افول شده و این امر فرصت ارزشمندی را برای سفالگران ایرانی در تولید و صادرات سفال فراهم آورد. این سفال بنا به چند دلیل احتمالاً به‌عنوان کالای صادراتی و تجملی تولید شده که بدین شرح است: وجود فرم‌هایی طبق سلايق اروپایی‌ها بدون وجود پیشینه آن در ایران مانند فنجان تخم‌مرغ؛ تشابه نسبی آنها با برخی سفالینه‌های تک‌رنگ چینی که در این زمان صادرات آنها متوقف شده بود و اشارات منابع تاریخی به

گمبرون یکی از گونه‌های سفالی شاخص و شناخته‌شده دوران اسلامی است. احتمالاً این سفال در بازه زمانی اواخر قرن یازدهم هجری تا اوایل قرن سیزدهم هجری تولید شده است. بر همین اساس چنین به نظر می‌رسد که روند تولید سفال گمبرون از زمانی شروع شده که جنگ‌های خارجی ایران در این دوره به اتمام رسیده و تجارت بین‌الملل و روند ورود سیاحان اروپایی به ایران پررنگ شده است. در عین حال که با سقوط حکومت مینگ در کشور چین نیز برای

نمونه‌های تولیدی چین می‌توان این احتمال را داد که تا حدودی سنت سفالگری چین نیز در این زمینه تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این، یک ویژگی بسیار پرکاربرد در تزئین سفال‌های گمبرون مشاهده می‌شود که تاکنون در نمونه‌های دیگر قبل از صفوی و نمونه‌های هم‌دوره چین مشاهده نشده است. این شیوه تزئینی وجود نقش برجسته دگمه‌ای شکل در داخل سفال‌های دهانه‌باز و در مرکز کف آنهاست. وجود این نقش صرفاً در برخی فرم‌های مشابه زرین‌فام این دوره شناسایی شد. وجود تشابه تزئین دگمه مانند و نیز تشابهات بسیار فرمی سفال گمبرون با زرین‌فام‌های این دوره موضوعی است که به‌وضوح می‌توان آن را مشاهده کرد.

سپاسگزاری

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از آقای اسماعیل شراهی که شکل و اطلاعاتی درباره سفال گمبرون محوطه ذلف‌آباد در اختیار ما قرار دادند، تشکر و قدردانی نماییم.

منابع مالی

منابع مالی این پژوهش از طریق مشارکت نویسندگان تأمین شده است.

تعارض منافع

تعارض منافع بین نویسندگان وجود ندارد.

صادرات این کالاها از بندر گمبرون به اروپا. نمونه‌های اندکی از این سفال نیز در کاوش‌های باستان‌شناسی و برخی نقاشی‌های سبک اصفهان شناسایی شده است. بر همین اساس می‌توان چنین احتمال داد که سفال گمبرون با وجود اهمیت صادراتی آن، به میزان اندک در ایران نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در ارتباط با مرکز یا مراکز احتمالی تولید این سفال نیز باید بیان شود که احتمالاً شهرهایی مانند نائین، شیراز، کرمان و حتی قم، از جمله مراکز تولیدی این سفال باشند؛ به‌ویژه نائین که احتمالات بیشتری در مورد آن وجود دارد. سفال گمبرون تنوع فرم زیادی داشته که تماماً با سایر نمونه‌های مشابه تولیدی این دوره قابل مقایسه هستند. در این میان تشابهات فرم سفال‌های گمبرون با نمونه‌های زرین‌فام و آبی و سفید بسیار بیشتر است.

سفال‌های گمبرون از لحاظ ویژگی‌های تزئینی شامل نمونه‌های تک‌رنگ ساده یا تزئینی و نقاشی زیر لعاب می‌شوند. این شیوه‌های تزئینی عموماً در سفالینه‌های قبل از صفوی نیز رایج بوده و نمونه‌های مشابه متعددی حداقل از دوره سلجوقی به بعد شناسایی شده که تا حد زیادی قابل مقایسه با نمونه‌های گمبرون هستند. پس بر این اساس چنین می‌توان احتمال داد که حداقل یکی از منابع الهام نقش‌اندازی و تزئین سفال‌های این دوره سنت گذشته آن بوده است. با وجود این و به‌دلیل تشابه برخی تزئینات این سفال‌ها به‌ویژه نمونه‌های نقش‌کنده و تراشی زیر لعاب با

References

- Akbari, A., & Taheri, A. S. (2014). A Comparative Study of Safavid Pottery in Kerman and Mashhad and the Influence of Chinese art on them. *Negareh Journal*, 9(29), 75-86.
- Amir Hajlo, S., & Siddigian, H. (2019). Archaeological study of the pottery of the Islamic era in the area of the stone castle of the old city of Sirjan. *Archaeological researches of Iran*, (25), 155-180.
- Chardin, J. (1993). *Chardin's travelogue* (Y. I, Trans.; Vol. 5). Publications of Tos.
- Crowe, Y. (2007). The Safavid potter at the crossroad of styles. In *Iran and the World in the Safavid Age* (pp. 1-10).
- Demand, M. E. (2004). *Guide to Islamic Industries* (F. A, Trans.). Scientific and Cultural Publications.
- Eghtari, A. (1969). *The remains of the ancient cities of the coasts and islands of the Persian*

- Gulf and the Sea of Oman*. Association of National Artifacts.
- Fehervari, G. (1973). *Islamic pottery: A comprehensive study based on the Barlow Collection*. Faber & Faber limited.
- Fehervari, G. (2000). *Ceramics of The Islamic World: In the Taregh Rajab museum*. Tauris & Catd.
- Freyeh, R. W. (1995). *Arts of Iran* (M. P, Trans.). Rosen Farzan Publishing.
- Golombek, L., & et al. (2001). Safavid potters' marks and question provenance. *Iran*, (39), 207–236.
- Grube, E. (2005). *Islamic Pottery, Volume 7 of Khalili's Islamic Art Collection* (H. F, Trans.). Karang Publishing.
- Hobson, R. L. (1932). *Guide to the Islamic pottery of the Near East*. British Museum.
- Hosseini, H. (2010). Comparison of the influence of Chinese pottery art on Timurid and Safavid Iran. *Fine Arts Magazine*, (41), 71-82.
- Hosseini, M., & Alipour, M. (2013). The influence of Safavid painting on the pottery of the same period. *Journal of art research*, 4(7), 87-99.
- <http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/8>. (2023).
<http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/8>
- <https://asia.si.edu/collections-area/islamic/>. (2023). <https://asia.si.edu/collections-area/islamic/>
- <https://asianart.org/>. (2023). <https://asianart.org/>
- <https://www.birminghammuseums.org.uk/birmingham-museum-and-art-gallery>. (2023).
<https://www.birminghammuseums.org.uk/birmingham-museum-and-art-gallery>
- <https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword=iran>. (2023).
<https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword=iran>
- <https://www.brooklynmuseum.org/>. (2023).
<https://www.brooklynmuseum.org/>
- <https://www.louvre.fr/en>. (2023).
<https://www.louvre.fr/en>
- <https://www.metmuseum.org/art/the-collection>. (2023). <https://www.metmuseum.org/art/the-collection>
- <https://www.rom.on.ca/en>. (2023).
<https://www.rom.on.ca/en>
- <https://www.vam.ac.uk/collections?type=feature>. (2023).
<https://www.vam.ac.uk/collections?type=feature>
- Kambakhshfard, S. (2001). *Pottery and pottery in Iran from the beginning of the Neolithic to the modern era*. Nash Ghoqnos.
- Kenby, S. (2006). *Safavid art and architecture* (M. M, Trans.).
- Lally, J. J. (2013). *Song dynasty ceramics*. Co oriental art.
- Lane, A. (1957). *Later Islamic pottery: Persia, Syria, Egypt & Turkey*. Faber & Faber.
- Mason, R., & Golombek, L. (2003). The petrography of Iranian ceramics. *Journal of archaeological science*, (30), 251 - 261.
- Mohammadi Qasrian, S., & Zarei, M. I. (2016-17). Review and study of the works of the Islamic era of Khorbas area in Qeshm Island. *Persian Gulf Studies Quarterly*, 3(8), 105-196.
- Mohammadifar, Y., & Belmaki, B. (2008). The art of pottery in the Safavid period, a study of techniques and artistic themes. *Journal of Fine Arts*, (35), 102-193.
- Olearius, A. (1984). *The travelogue of Adam Olearius* (B. A, Trans.). Ebtakar Publishing and Cultural Organization.
- Pope, A. U., & Ackerman, P. (1969). *A survey of Persian Art: From prehistoric times to the present*. Manafzadeh group.
- Priestman, S. M. N. (2005). *Settlement & ceramics in Southern Iran: An analysis of the Sasanian & Islamic periods in the Williamson Collection* University of Durham].
- Rezaei, M., & Mohammadi, M. (2019). Historical and archaeological study of Andajin Hamadan

- Islamic site. *Journal of Archaeological Studies*, 12(1), 159-139.
- Rouhani, H., & et al. (2021). Typology of multi-colored pottery paintings of Kerman in the Safavid era. *Journal of Fine Arts - Visual Arts*, 26(4), 57-47.
- Shadlo, S., & Chitsazian, A. (2010). Research on Gamburon pottery. *Negre*, (20), 45-57.
- Shrahi, I. (2011). *The report of the third season of the archaeological exploration of Zolfabad Farahan, Archives of the General Directorate of Cultural Heritage*.
- Soud Avar, A. (2001). *Art of Iran* (M. S. N, Trans.). Karang Publishing.
- Soustiel, J. (1985). *La Ceramique Islamique, Freiburg*. Office Du Livre.
- Watson, O. (1985). *Persian Lusterware*. Faber & Faber.
- Watson, O. (2004). *Ceramic from Islamic Lands*. Thames & Hudson.
- Wolff, H. E. (1993). *Ancient handicrafts of Iran* (E. S, Trans.). Islamic Revolution Publishing House.

پی‌نوشت

۱. این سفال در دهه ۱۷۵۰ م با حجم زیاد از طریق بندرعباس یا بندر گمبرون و توسط شرکت هلندی-انگلیسی هند شرقی به اروپا صادر شده است (Watson, 2004).

۲. Chi Ein Lung

۳. Martin Lister

۴. شاردن به این نکته اشاره دارد که ماده اصلی بدل چینی در ایران از ترکیب شیشه و سنگ‌ریزه جویبارها ساخته شده است که با کمی خاک مخلوط شده باشد (Chardin, 1993). اولتاریوس نیز به این موضوع اشاره دارد که سفال‌های بدل چینی یا چینی عموماً در شهرها مورد استفاده قرار گرفته، درحالی‌که در روستاها عمدتاً سفال‌های خمیره رسی کاربرد داشته است (Olearius, 1984).

۵. ش.ش. مخفف شماره شیء در موزه است.

۶. فنجان تخم‌مرغ یا Eggcup یکی دیگر از فرم‌های رایج در دوره صفویه است که نمونه مشابه آن در قبل از دوره صفوی شناسایی نشده است. نظر به اینکه این فرم در اروپای قرن ۱۷ م و حتی قبل از آن رایج بوده، احتمال داده می‌شود که به دلیل رفع نیازهای اروپایی‌های داخل ایران یا صادرات تولید این فرم در ایران نیز رایج شده است (Crowe, 2007).

۷. این فرم با نام مصطلح Spiton در دوره صفوی بسیار رایج بوده و نمونه‌های فراوانی از آن با تزئین آبی و سفید و زرین‌فام به مشهد نسبت داده شده‌اند (Akbari & Taheri, 2014).

۸. مشابه این فرم سفالی در دوره سلجوقی نیز وجود داشته که به نظر می‌رسد مجدداً در دوره صفوی احیا شده است. مرکز تولید این فرم سفال با تزئین آبی و سفید به کرمان نسبت داده شده است (Akbari & Taheri, 2014). این فرم را بعضاً در برخی از نقاشی‌های دوره صفوی نیز می‌توان ملاحظه کرد (Soud Avar, 2001).

۹. Jingdezhen

۱۰. Fujjien

۱۱. برخی پژوهشگران احتمال می‌دهند نمونه‌هایی از زرین‌فام‌های این دوره که تزئینات کف دگمه‌ای هم دارند، در مراکز هم‌چون مشهد تولید شده‌اند (Mason & Golombek, 2003). در کنار این شهر، اسامی دیگری همچون کاشان، اصفهان و کرمان نیز معرفی شده‌اند که احتمال داده شده در آنها نیز کارگاه‌های کوچکی به تولید سفال زرین‌فام در این دوره مشغول بودند (Watson, 1985).

۱۲. تشابه نسبی نقوش روی سفال‌های دوره صفوی با نقاشی‌های این دوره موضوعی است که به فراوانی در انواع مختلف سفالینه‌های منقوش این دوره می‌توان ملاحظه کرد (Hosseini & Alipour, 2013).